

رویکرد اقتباسی در دو سریال «سووشون» و «بامداد خمار»

از واو تا قاب

محمد تقی زاده

اقتباس ادبی در سینمای ایران همیشه عرصه‌ای پرچالش بوده است. کارگردانان ایرانی کمتر به سراغ رمان‌های شاخص رفته‌اند، زیرا این مسیر همواره با خطر مقایسه با متن اصلی و انتظارات سنگین مخاطبان همراه است. نرگس آبیاری با دو پروژه جنجالی و پر سر و صدا، «سووشون» (بر اساس رمان سیمین دانشور) و «بامداد خمار» (بر اساس رمان فتانه حاج‌سیدجوادی)، وارد این میدان شد. انتخاب او جسورانه بود: دو رمان محبوب و پر خواننده که هر کدام در حافظه جمعی ایرانیان جایگاهی ویژه دارند. همین انتخاب باعث شد آثارش هم تحسین شوند و هم نقدهای جدی برانگیزند.

«سووشون»: وفاداری تا مرز خستگی

وفاداری به متن: آبیاری در «سووشون» تلاش کرد روایت دانشور را تقریباً واو به واو بازآفرینی کند. این وفاداری، هرچند احترام به متن ادبی تلقی شد، اما استقلال هنری سریال را از بین برد. اقتباس موفق باید علاوه بر انتقال پیام کتاب، هویت مستقل سینمایی داشته باشد. در «سووشون»، این استقلال کمتر دیده شد و سریال بیشتر شبیه بازنمایی تصویری رمان بود.

چالش زبان سینما: رمان دانشور سرشار از استعاره‌ها و نمادهای اجتماعی است. اما در سریال، تصاویر نتوانستند همان بار استعاری و روانی را منتقل کنند. صحنه‌هایی مثل جشن انگلیسی‌ها یا دارالمجانین، که در رمان بار نمادین دارند، در سریال به‌عنوان صحنه‌های ساده بازنمایی شدند. نتیجه، روایتی سنگین و خسته‌کننده بود که بیشتر بازنمایی ادبیات بود تا بازآفرینی سینمایی.

پروداکشن عظیم اما ناکارآمد: با وجود هزینه‌های بالا، دکورهای گسترده و پروداکشن عظیم، سریال نتوانست به اثری ماندگار مثل «دایی جان ناپلئون» یا «قصه‌های مجید» تبدیل شود. ضعف در بازیگری و لهجه‌ها نیز این مشکل را تشدید کرد. بسیاری از مخاطبان احساس کردند که عظمت تولید نتوانسته ضعف در روایت و شخصیت‌پردازی را جبران کند.

«بامداد خمار»؛

بازآفرینی حس و حال

رمان

وفاداری به متن: به‌عنوان نقطه قوت، در این اقتباس، وفاداری به رمان حاج‌سیدجوادی بیشتر به‌عنوان مزیت دیده شد. سریال توانست فضای عاشقانه و اجتماعی رمان را بازآفرینی کند و مخاطبان آشنا با کتاب را جذب کند. برخلاف «سووشون»، وفاداری در اینجا به نقطه قوت تبدیل شد، زیرا رمان حاج‌سیدجوادی بیشتر بر روابط عاشقانه و اجتماعی تمرکز دارد و بازآفرینی آن در قالب تصویر برای مخاطب جذاب‌تر بود.

فضاسازی و طراحی صحنه: بازآفرینی دقیق دوره قاجار، طراحی لباس و دکورها، و توجه به جزئیات فرهنگی از نقاط درخشان سریال بود. صحنه‌های بازار قزوین، مجالس زنانه و خانه‌های قاجاری با جزئیات دقیق بازسازی